



هفته وقف

پیشینه، ضرورت ها و باید ها

هادی قبادی

مقدمه

برگزاری هفته ای با عنوان «هفته وقف» چه پیشینه ای دارد؟ چه ضرورتی باعث شده تا هفته ای با این عنوان نامگذاری و برنامه های ویژه ای اجرا شود؟ برای نیل به حداکثر بهره برداری و استفاده بهینه از فرصت هفته وقف چه باید کرد؟ برای یافتن پاسخ اینگونه پرسش ها و سوالات مشابه، شاید خالی از لطف نباشد که ابتدا اشارتی به ریشه مقوله «وقف» گردد:

انسان در بین موجودات عالم، از ویژگی های خاص و اوصاف بارزی برخوردار است که همین خصوصیات، او را از سایر مخلوقات، متمایز ساخته است. انسان در عین حالی که تمامی صفات اجزاء آفرینش از قبیل جمادات، نباتات، حیوانات و فرشتگان را با خود دارد، واجد جنبه ای است که او را بر سایر موجودات برتری داده است. آن جنبه عبادت است از بُعد الهی و ملکوتی وجود انسان، که او را به موجودی مسئولیت پذیر و متعهد مبدل ساخته است. اجتماعی بودن حیات بشر از یک سو و الهی بودن او از سوی دیگر، انسان را در قبال آنچه که در جامعه بشری و بر ابناء بشر و تمامی انسانها می گذرد مسؤول و متعهد می سازد. مسؤولیت پذیری و اجتماعی بودن انسان، او را به این طریق رهنمون می سازد که تنها به فکر خود نباشد و نسبت به آنچه که بر هموعان او می گذرد حساسیت نشان دهد و این ریشه در سرشت و فطرت او دارد.

گرچه آدمی همیشه در بین این دوکشش درونی یعنی خواسته های خود و حقوق دیگران، در کشمکش و مبارزه بوده که گاه غلبه یکی از آن دو رقم خورده و گاه تعادل برقرار شده است و با قطع نظر از مواردی که برخی انسان ها تنها به خویش اندیشیده اند اما واقعیت آن است و سوابق تاریخی نیز این را به اثبات می رساند که آدمی هیچ گاه فارغ از درد و رنج دیگران نبوده، بلکه بر اساس همان گرایش فطری، در غم دیگران نیز خود را شریک دانسته و در مسیر تعالی و رشد، از اهرم تعاون، دگردوستی، ایثار و از خودگذشتگی مدد جسته و با بارور ساختن عواطف انسانی در رفع مشکلات جامعه پیرامون خود بهره برده است و این خصیصه حتی در انسان های نخستین نیز وجود داشته است. بابت پیامبران و ظهور ادیان آسمانی، مسأله احساس مسؤولیت در قبال دیگران، قوام و استحکام یافته و تاریخ بشر سرشار است از نمونه های درخشان این بُعد از شخصیت انسان که با ظهور دین اسلام و آموزه های دینی توسط پیامبر اسلام به اوج خود رسیده است.

در فرهنگ غنی اسلام سنت‌های حسنه‌ای چون انفاق، صدقه، زکات و... و علاوه بر آنها «وقف و ایقاف» و همچنین «صدقات جاریه» به عنوان یک سنت ماندگارتر و پایاتر پیشینه روشنی دارد که به مرور زمان در قالب امور خیریه و کارهای عام‌المنفعه به تناسب نیازهای زمان، جریان داشته است. بدیهی است که با عنایت به منافع کثیره اینگونه سنن، در هر دوره و زمانی متناسب با مقتضیات روز، توسعه و گسترش یافته‌اند تا به امروز رسیده‌اند. بلکه سنت حسنه وقف در طول تاریخ اسلام، نقش بسزایی در باروری و پویایی تمدن‌های بشری داشته است.

وجه تسمیه هفته وقف

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی که به اتکا آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی پا گرفته و به پیروزی رسید بدیهی بود که تغییر و تحولاتی جدی در شؤون مختلف وقف و موقوفات صورت پذیرد. نهاد وقف مستثنای از دیگر نهادهای موجود در کشور نبود.

علاوه بر تغییرات بنیادین و ساختاری، بهره‌برداری از برخی موقعیت‌های زمانی خاص نیز به منظور تبیین بیشتر مقوله وقف، ضروری می‌نمود و بر این اساس بود که پس از بررسی، مطالعه و اخذ پیشنهادات کارشناسان، دهه پایانی ماه صفر المظفر به عنوان «دهه وقف» موسوم و برنامه‌های ویژه‌ای برای آن دهه تدارک دیده شد. گرچه با گذشت چند سال از این نامگذاری، دهه وقف به هفته وقف تغییر داده شد اما بدیهی بود که به علت جایگاه ویژه دهه آخر این ماه، که از قدیم‌الایام مورد توجه جامعه اسلامی بوده است فرصت مغتنمی بود تا در کنار برگزاری برنامه‌های مربوط به آن، به مقولات مرتبط با وقف و ایقاف به صورت ویژه‌ای پرداخته شود و نمی‌توان انکار نمود که اینگونه برنامه‌ها در تبیین مقوله وقف و تصحیح ذهنیت جامعه نسبت به آن و تنویر افکار عمومی تأثیر بسزایی داشته است.

اما اینکه چرا روزهای پایانی ماه صفر برای این منظور انتخاب گردید پرسشی است که پاسخ به آن می‌تواند فلسفه وجودی دهه وقف و هفته وقف را بیشتر تبیین نماید. ایامی که با ربیعین حسینی آغاز و با رحلت جانگداز نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) و شهادت امام حسن مجتبی و ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) پایان می‌یابد. لذا نامگذاری این ایام به هفته وقف از چند جهت قابل بررسی است:

اول: در تاریخ اسلام، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را اولین واقف در اسلام می‌دانند چنانچه محمد بن سعد در کتاب الطبقات الکبری می‌نویسد: «اولین وقف در اسلام، وقف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده که بستانهای هفت گانه را وقف کرد.»

در کتب تاریخی، جریان این موقوفه به تفصیل آمده است که چگونه یکی از علمای یهود به نام مخیریق در جنگ احد در رکاب پیامبر و در دفاع از آن حضرت با مشرکان جنگید و وصیت نمود که اگر کشته شد تمامی اموال او متعلق به پیامبر است تا هر طور که صلاح می‌داند با آنها رفتار کند. او در این جنگ به شهادت رسید و پیامبر هم در حق او فرمود: مخیریق بهترین یهودی است. پیامبر تمام آن اموال را وقف کرد و تاریخ نشان می‌دهد که اولین وقف و صدقه در اسلام، همین وقف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده که حوائط سبعة نام داشته است.

ذکر این واقعه تاریخی نه بدان سبب است که گفته شود در سیره پیامبر اسلام، خدمت به جامعه و توجه به نیازهای اقشار مختلف، تلاش در نیل به عدالت اجتماعی و امثال آن بوده است که این مطلب از بدیهیات است و روشن است

که سنت حسنة وقف یکی از سنن جاریه آن اسوه حسنه بوده است اما نکته اینجاست که بدانیم آن حضرت اولین واقف در جامعه اسلامی و امت اسلام است و به همین مناسبت، ایام رحلت آن حضرت به عنوان ایامی مناسب جهت نام گذاری «هفته وقف» انتخاب شده است. مضافاً آنکه در مقایسه این ایام به مناسبت‌هایی چون ولادت آن حضرت و یا عید مبعث در می‌یابیم که روزهای پایانی ماه صفر دارای خصوصیتی است و مقارن با حوادثی است که جهت مراسم مرتبط با سنت حسنة وقف تناسب بیشتری دارد که در ادامه مقاله به آنها نیز اشاره خواهد شد.

دوم: بخش زیادی از موقوفات در کشور ایران مربوط به سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است و به بیان دیگر وجه غالب نیت واقفان خیراندیش زنده نگه داشتن نهضت عاشورا و واقعه کربلاست. گرچه تنوع نیت واقفان در موضوعات گوناگون، خود از افتخارات مسلمانان محسوب می‌شود اما در کشور ایران نمی‌توان انکار نمود که عناوین مرتبط با امام حسین (علیه السلام) و حرکت تاریخی آن حضرت در سال‌های ۶۰ و ۶۱ هجری و توجه به توسعه و گسترش فرهنگ ایثار، از خودگذشتگی، آزادگی، شهادت و... به صورتی پررنگ‌تر بر تارک مقوله وقف در این دیار می‌درخشد و اینگونه موقوفات مربوط به محرم و صفر و وجود مقدس حسین بن علی (علیهما السلام) نقشی محوری در تداوم حرکت اصیل اسلام ناب محمدی داشته‌اند که اینک بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (رضوان الله علیه) نیز فرمودند: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است». لذا ایام آخر ماه صفر که با نهضت حسینی که تداوم بعثت نبوی است تناسبی وثیق دارد.

سوم: شهادت امام حسن مجتبی (علیه السلام) نیز در همین ایام قرار دارد. امام همامی که اولاً سال‌ها خود تولیت موقوفات مربوط به پدر بزرگوارش مولای متقیان را عهده دار بوده است و ثانیاً در بیان سیره آن حضرت، یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌هایی که ذکر کرده‌اند توجه به اقشار ضعیف جامعه، کمک به نیازمندان و بخشیدن مایملک خود به فقرا بوده است تا آنجا که بارها نیمی از مال و یا تمامی مال خود را در این راه انفاق نموده است و در بذل و بخشش به دیگران سرآمد روزگار خویش بود. شاید به همین سبب باشد که آن حضرت را کریم اهل بیت نیز لقب داده‌اند. گرچه ائمه معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) چه در دوران حیات و امامت خویش و چه پس از آن تا قیام قیامت برای تمامی ابناء بشر اسوه‌های حسنه هستند، اما طبیعی است که به اقتضای شرایط دوران امامت، برخی از فضائل اخلاقی زمینه ظهور و بروز بیشتری داشته و به پاره‌ای از خصایص نیکو بیشتر اشتها داشته‌اند.

چهارم: از دیگر مناسبت‌های روزهای آخر ماه صفر، شهادت هشتمین امام شیعیان حضرت امام رضا (علیه السلام) است. نام این امام رؤوف در کشور ایران به نحو ویژه‌ای با مقوله وقف و موقوفات مرتبط گشته و به سبب آنکه مضجع شریف آن حضرت و بارگاه نورانی‌اش در سرزمین ایران واقع شده است، خیل عظیم محبان و ارادتمندان آن امام بزرگوار از جای جای این سرزمین، بخش‌هایی از مایملک خویش را وقف حضرتش کرده‌اند که وسعت و خدمات و افر موقوفات آستان قدس رضوی بر کسی پوشیده نیست و شاید بتوان ادعا کرد که در طول سال، روزها و هفته‌ای یافت نمی‌شود که چونان ایام آخر ماه صفر اینگونه به چهارده معصوم بزرگوار منتسب بوده و ظرفیت آن را داشته باشد که با عنوان «هفته وقف» نامگذاری شود.

لذا به نظر می‌رسد شاید بهتر از این ایام، روزهای دیگری نباشد که این میزان از تناسب را داشته باشد، گرچه طبیعی است می‌توان در طول سال مناسبت‌های دیگری را یافت که از جهاتی متناسب باشد اما ظاهراً تناسب این ایام غالب‌تر است.

هفته وقف را پاس بداریم

نامگذاری یک روز یا هفته با عنوان «وقف» چه ضرورتی دارد؟ آیا بر این امر فایده‌ای مترتب است یا صرف نامگذاری است؟ آیا برای طرح موضوعات مرتبط با وقف و ایقاف اینگونه فرصت‌ها کفایت می‌کند یا نه؟ آیا از ابتدای این نامگذاری و در طول این سال‌ها این برنامه‌ها تأثیری در گسترش فرهنگ وقف داشته است؟ پرسش‌های فوق و موارد مشابه آن، نکاتی است که می‌تواند به ذهن هر خواننده‌ای خطور کند و او را به تأمل وادارد. بدون تردید نمی‌توان در مورد هیچ پدیده بشری به طور مطلق، نغیاً و اثباتاً اظهار نظر کرد و واضح است که در ما نحن فیه نیز می‌توان نقاط قوت و ضعف را نظاره کرد. در اینجا توجه به چند نکته خالی از فایده نیست:

۱. در عرف جامعه ما این نام‌گذاری‌ها موجب جلب توجه بیشتر مخاطبان به موضوع مورد بحث است اگرچه در صورت عدم رعایت برخی از اصول تبلیغ و اطلاع‌رسانی و عدم توجه به مقتضای حال مخاطبان چه بسا تأثیر عکس داشته باشد.

۲. بدون تردید هیچ موضوع مهمی، در ظرف زمانی محدود، قابلیت تشریح و تبیین را ندارد و مقوله وقف نیز در این مورد مستثنی نیست اما اینگونه فرصت‌ها در صورت توجه عمیق و برنامه‌ریزی دقیق می‌تواند محرکی برای گرایش بیشتر مخاطبان به موضوع مورد نظر باشد و در این راستا بهره‌مندی از تمامی اصول و قوانین تبلیغ و اطلاع‌رسانی و یاری جستن از آخرین تجهیزات روز و ابزارهای ابلاغ پیام لازم و ضروری است. به عنوان نمونه ابزارهای هنری می‌تواند نقش بسزایی در این مقوله داشته باشد.

۳. اگرچه در سال‌های گذشته و از ابتدای تعیین روز یا هفته‌ای به نام وقف، اقدامات بسیار شایسته‌ای با استفاده از برخی ابزارهای موجود در جهت تبلیغ فرهنگ وقف صورت گرفته است اما مناسب‌تر آن است که از تمامی فرصت‌هایی که در طول سال توزیع شده است بهره‌برداری شده و نکته مهم‌تر آنکه بهترین تبلیغ برای وقف، خوب اداره کردن موقوفات و اجرای نیات واقفان خیراندیش است که اگر چنین باشد، افراد متمکن و نیک‌اندیشان دیگر نیز با ذهنیت بسیار مثبت و خوبی که نسبت به این مقوله پیدا می‌کنند چه بسا ترغیب شوند که خود نسبت به انجام این امر خیر اقدام و در راه حفظ موقوفات و بالاتر از آن تکثیر موقوفات و گسترش آن تلاش نمایند. این سخن، اختصاص به موقوفات هم ندارد بلکه در حوزه‌های دیگر فعالیت‌های سازمان اوقاف و امور خیریه اعم از بقاع متبرکه و اماکن دینی و در فعالیت‌های قرآنی و سایر فعالیت‌ها نیز جاری و ساری است.

۴. برخی از اقداماتی که در اینگونه ایام و هفته‌های خاص انجام می‌پذیرد به طور مشخص، جنبه نمادین و سمبلیک دارد و این اقتضای محدودیت زمانی است اما همین اقدامات نمادین می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح در طول سال تداوم یابد و دقیقاً یکی از آسیب‌های موجود و اشکالات وارد بر اینگونه برنامه‌ها، مقطعی بودن و عدم استمرار آن است که هفته وقف نیز در مواردی به این نقیصه مبتلاست که البته متولیان برگزاری آن می‌توانند با بهره‌مندی از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران، بر غنای آن بیافزایند.